

مجمع روحانیون مبارز در این زمینه می‌گوید:

«پس از انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی و کمی پیش از آن فضای سیاسی ناشی از رقابت‌های انتخاباتی، طوری شد که ادامه فعالیت سالم را غیر ممکن ساخت، حمله‌های تبلیغاتی به گونه‌ای شد که متأسفانه به جای آنکه رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی روحانیون به عنوان وظیفه اسلامی - ملی شناخته شود، این رقابتها به عنوان تلاش برای کسب قدرت در جهت منافع فردی و گروهی در ذهن جامعه آثار بدی بر جای گذاشت. مطلب دیگری که سبب شد مجمع روحانیون سکوت پیشه کند، این بود که فضایی پیش از انتخابات ایجاد شد که صلاحیت حدود ۸۰ نفر از افراد شاخص این جناح که کاندیدای نمایندگی چهارمین دوره مجلس بودند، رد شد. جناح رقیب چنان تبلیغ می‌کرد که گویا مهمترین مانع بر سر راه اصلاحات و بازسازی کشور و فراهم کردن رفاه برای مردم، جناح خط امام (ره) است که مجمع روحانیون مبارز محور این جناح شناخته می‌شد. در مجموع، شرایط و فضای نامساعدی که قبل و پس از انتخابات چهارمین دوره مجلس به وجود آمده بود سبب شد تا مجمع روحانیون مبارز، تعطیلی فعالیت سیاسی خود را تا ایجاد شرایط مساعد اعلام کند.»<sup>۱</sup> مجمع روحانیون مبارز در مهر ۱۳۷۴ چند ماه قبل از برگزاری انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی بعد از حدود پنج سال توقف، فعالیت خود را از سر گرفت. یکی از اعضای شورای مرکزی مجمع در این زمینه می‌گوید:

«با توجه به شرایط پیش آمده و آشکار شدن نادرستی تهمت‌ها و حمله‌های تبلیغاتی و روشن شدن این حقیقت، ورود به عرصه‌های سیاسی از جانب

مجمع، قدرت طلبی نبود و تنها ادای یک وظیفه در برابر انقلاب اسلامی و آرمانهای حضرت امام است، مجمع روحانیون مبارز حضور مجدد خود را در عرصه فعالیت‌های سیاسی، کمکی به نشاط سیاسی جامعه می‌داند.<sup>۱</sup>

مجمع روحانیون مبارز و گروه‌هایی که از لحاظ مواضع دیدگاه‌های نزدیکی دارند، در زیر نمایش داده شده است.

- ۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، بهزاد نبوی و محمد سلامتی از چهره‌های شناخته شده آن هستند.
- ۲- اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)
- ۳- انجمن اسلامی معلمان
- ۴- انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌های سراسر کشور
- ۵- انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران
- ۶- انجمن اسلامی مهندسان ایران



مهدی کروبی دبیر مجمع روحانیون مبارز است و اعضای شورای مرکزی آن عبارتند از: محمد موسوی خوینینی‌ها، اسدالله بیات، رحیمیان، امام جمارانی، رحمانی، علی‌اکبر محتشمی. از میان گروه‌های وابسته به مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، متشکل‌ترین و فعال‌ترین آنهاست که در زیر به چگونگی شکل‌گیری این سازمان اشاره می‌شود:

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۷۰ مجوز قانونی فعالیت سیاسی در سراسر کشور گرفت. مؤسسان و اعضای کادر مرکزی

این سازمان عمدتاً افرادی بودند که در سال ۱۳۶۱ به دلیل اختلاف در دیدگاه‌ها و برداشتها از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی استعفا کردند. این جمع پس از استعفا از سازمان مجاهدین انقلاب به دلیل اعتقاد به ضرورت وجود تشکل در پیشبرد اهداف فکری و سیاسی، شروع فعالیت جدید را به شکل همه جانبه مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دادند و در نهایت با تغییراتی در مرامنامه، اساسنامه، نام و کادرهای تشکیل دهنده، بار دیگر آغاز به کار کردند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از وحدت هفت گروه سیاسی معتقد به رهبری امام خمینی که در سالهای پیش از پیروزی انقلاب، معتقد به مبارزه مسلحانه با رژیم شاهنشاهی بوده‌اند تشکیل شد. گروه‌های هفت‌گانه عبارت بودند از: امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین این گروه‌ها پس از پیروزی انقلاب بنا به توصیه رهبر انقلاب و تأکیدهای استاد شهید مطهری پس از جلسات متعدد، سرانجام تحت عنوان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی متحد شده و در تاریخ ۱۶/۱/۵۸ اعلام موجودیت کردند. حیات این سازمان را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ و ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵. در بهار سال ۱۳۵۸ سازمان از امام خمینی تقاضا کرد تا نماینده یا وکیلی از جانب خویش برای نظارت در زمینه مسائل اعتقادی و ایدئولوژیک، فقهی، احکام عملی و موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مشخص کنند. امام نیز حجت‌الاسلام راستی کاشانی را مشخص فرمودند. با توجه به این که یکی از طراحان و مجریان اصلی اقتصاد زمان جنگ از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و با توجه به این که جناح سنت‌گرا و محافظه کار با کنترل اقتصاد مخالف بود درگیری و اختلاف در درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی میان بخشی از کادرهای مرکزی و حجت‌الاسلام راستی و طرفدارانش در سازمان بالا گرفت، به طوری

که در درون سازمان، سه جناح مختلف شکل گرفت:

۱- جناحی که برای حجت‌الاسلام راستی ولایت تام قائل و معتقد به تبعیت کامل از ایشان بود این گروه تمایلات سنت‌گرایانه و محافظه‌کارانه اجتماعی - اقتصادی داشتند.

۲- جناحی که خود را موظف به تبعیت از نظرات شخصی حجت‌الاسلام راستی نمی‌دانستند و ایشان را به صورت مجرای برای انتقال نظرات امام خمینی به سازمان می‌دانستند و نه بیشتر. این جناح بیشتر از دیدگاه‌های رادیکال در مسایل اقتصادی پیروی می‌کردند.

۳- جناح سوم معتقد بودند که برخورد دو جناح دیگر، بیش از حد خصمانه است و هیچ منبع بنیادی برای تفاهم و پذیرش اختلاف سلیقه‌ها و تداوم فعالیت وجود ندارد.

گفتگوهای درون سازمان نه تنها موجب حل اختلاف نگردید، بلکه اختلافات را تشدید کرد. سه جناح در حضور آیت‌الله موسوی اردبیلی نیز نظریات خود را مطرح و ایشان نیز مباحث را به امام (ره) منعکس کردند. در تاریخ ۶۱/۱/۲۵ حجت‌الاسلام راستی شوراهای سازمان را لغو و شورای موقتی را در تاریخ ۶۱/۲/۱ برای اداره سازمان تعیین کرد. سرانجام پس از انعکاس مطالب به امام (ره) ایشان فرمودند: آقای راستی و کسانی که با ایشان می‌توانند همفکری داشته باشند در سازمان بمانند و هر کس تمایل ندارد با ایشان کار کند می‌تواند از سازمان استعفا دهد. در این مقطع (حدود دی ماه ۱۳۶۱) سی و هفت نفر از اعضای سازمان، استعفا کردند. در فاصله میان سال ۶۱ تا ۶۵ فعالیت‌های سازمان به شدت افول کرد، تا این که بالاخره حجت‌الاسلام راستی کاشانی در مهر ماه ۱۳۶۵ طی نامه‌ای به امام تقاضای موافقت با استعفای خویش و انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را کرد

که مورد موافقت امام قرار گرفت.<sup>۱</sup> بخشی از اعضای مستعفی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دلیل قرابت‌های فکری و عملی که با یکدیگر داشتند و به دلیل اعتقاد به ضرورت و اهمیت ایجاد تشکیلات برای پیشبرد اهداف عقیدتی و سیاسی، پس از جدا شدن از سازمان، ارتباط با یکدیگر را حفظ کرده و پس از تبادل نظر با تهیه اساسنامه و مرامنامه‌ای مشخص، درخواست اجازه فعالیت تحت عنوان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران کردند. وزارت کشور نیز در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۰ موافقت خود را با این فعالیت اعلام داشت. دبیر کل این سازمان محمد سلامتی است.<sup>۲</sup> در عرصه مطبوعات روزنامه سلام، دو هفته‌نامه عصر ما ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و نیز هفته‌نامه مبین از مطبوعات وابسته به جناح مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن هستند.

## ۵-۱. جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی

جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی فعالیت رسمی خود را در ۱۵ خرداد ۱۳۷۴ آغاز نمود، اما چند ماه قبل از برگزاری انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی اعلام موجودیت کرد. اولین بیانیه این جمعیت در تاریخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۴ با امضای محمد محمدی‌نیک معروف به «ری شهری» دبیر کل آن و بدون معرفی سایر اعضا منتشر شد. ری شهری درباره علل تشکیل این جمعیت می‌گوید: «ما قبل از انتخابات مجلس پنجم به این نتیجه رسیدیم که برای پاسخگویی به خلاء سیاسی موجود در جامعه باید به طور

۱. نگاه کنید به: هفته‌نامه بهمن، شماره ۱۶، ۱/۲/۷۵، صص ۷-۱۰

۲. هفته‌نامه بهمن، شماره ۱۷، ۸/۲/۷۵، ص ۷

فعال وارد صحنه شویم... بعد از انتخابات مجلس پنجم، آمار انتخابات، خلاء ناشی از وجود یک جریان سیاسی مورد قبول عامه مردم را کاملاً نشان داد و این امر تحلیل‌ها را به صورت یک مسأله قطعی در آورد. بنابراین بعد از انتخابات به این نتیجه رسیدیم که تشکیلات ما باید ادامه پیدا کند<sup>۱</sup> دبیر کل این جمعیت، مقابله با رویهٔ تغافل از ارزشهای اسلامی را نیز از علل دیگری می‌داند که در تشکیل این جمعیت مؤثر بوده است. به اعتقاد وی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی براساس یک تفکر و برای پر کردن خلاء از نسیان و تغافل برخی از ارزشها تأسیس شد.<sup>۲</sup> انتقادهایی که این جناح نسبت به وضع جامعه یا جناح‌های دیگر داشته دلایل فعالیت جمعیت را آشکارتر می‌کند این انتقادات را می‌توان تحت عنوان زیر دسته‌بندی کرد:

#### ۱- جدا کردن دین از سیاست

ری شهری گفت: «یکی از ابعاد خطرناک تهاجم فرهنگی در حوزه‌های فکری - دانشگاهی، مطرح کردن مسأله تفکیک دین از سیاست و پاسخگو نبودن حکومت دینی است که متأسفانه امروز این توطئه شوم و نامیمون در محیط‌های علمی ما به تدریج رخ می‌نمایاند.»<sup>۳</sup>

#### ۲- انتقاد از دو جناح

نشریه «ارزشها» ارگان جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی با انتقاد از هر دو جناح جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز می‌نویسد: «گرایش (سیاست‌گرایی خود مدار) دچار نقیصهٔ خود مطلق‌بینی در مواجهه

۱. روزنامه سلام، ۷۶/۲/۳۰، ص ۹

۲. روزنامه اطلاعات، ۵۷/۷/۱۷، ص ۸

۳. روزنامه اطلاعات، ۷۵/۱۲/۲۳، ص ۲

اندیشگی و رفتاری با دیگر جناح‌ها و جریان‌های سیاسی است که در قالب انحصار طلبی ظاهر می‌شود... مشخصه دیگر این گرایش قدرت‌گرایی است... این گرایش در حال حاضر در هر دو جبهه چپ و راست در جامعه حضور دارد.<sup>۱</sup>

۳- فساد، فرصت‌طلبی، سیاست‌زدایی از جامعه و کاهش حد تحمل انتقادپذیری

نشریه ارزشها در بیان علل بروز «آنچه در حال حاضر به عنوان عوامل و زمینه‌های رکود یا وادادگی سیاسی و رویگردانی از فعالیت سازمان یافته سیاسی بر مبنای اصول و آرمانهای انقلاب به نظر می‌رسد» به موارد زیر اشاره می‌کند:

- الف - وجود رویکرد سیاست‌زدایی در بخشهایی از سیاست‌گزارها و برنامه‌ریزها، بویژه در حوزه‌های فعال سیاسی جامعه از قبیل دانشگاه‌ها
- ب - کاهش حد تحمل و انتقادپذیری در بخش‌هایی از اجزاء نظام
- ج - سیاست بازی و فرصت‌طلبی برخی جناحها و باندهای سیاسی
- د - دنیاگرایی و آلودگی تدریجی بخشی از فعالان سیاسی به امور اقتصادی<sup>۲</sup>
- ه - انحصار طلبی در قدرت و ثروت که خطرناکترین آفتی است که جوهره انقلاب را تهدید می‌کند.<sup>۳</sup>

۴- عمل‌گرایی

«روح‌الله حسینیان» قائم مقام جمعیت دفاع از ارزشها می‌گوید: «جمعیت

۱. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۱، ص ۱۸

۲. همان

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۸/۱/۷۶، ص ۱۲، اظهارات ری شهری

دفاع یعنی کسانی که این جمعیت را به وجود آوردند، در انتخابات دوره پنجم شاهد بعضی از شعارها در جامعه بودند که احساس می‌شد روح سخن و کلام این حرفها آن است که دوران انقلاب دیگر تمام شده و دورانی است که برخلاف آرمانگرایی به عمل‌گرایی نیازمند هستیم، بدیهی است که این شعارها برای ما سخن و پیامی هشدار دهنده بود، زیرا ما برای همان آرمانگرایی انقلاب اسلامی کردیم... بنابراین ما (جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی) در دفاع از این آرمانگرایی وارد صحنه شدیم.<sup>۱</sup> همچنین نشریه ارزشها نوشت: «از نظر ما مسائل فرهنگی مهم‌ترین حوزه مسائل نظام است و باید در صدر اولویت‌های آن قرار گیرد.»<sup>۲</sup>

#### ۵- سیاست‌های غلط اقتصادی

روح‌الله حسینیان گفت: «به خاطر سیاستهای غلط اقتصادی یک طبقه (جدیدی) به وجود آمده است... ما باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که از این حالت انحصاری که امروز در اقتصاد صنعتی ما و چه اقتصاد تجاری ما بر مبنای روابط و نزدیکی و قرابت‌های شخصی استوار شده است، خارج شویم.»<sup>۳</sup> وی همچنین گفت: «یکی از مشکلات اقتصادی امروز ما این است که برنامه‌ها دارای زمان‌بندی خاص نیست.»<sup>۴</sup> در این مورد در بیانیه جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی آمده است: «سیاست‌های ناپایدار در برنامه‌ریزیهای اقتصادی ما تاکید بی‌رویه بر اقتصاد آزاد و جایگزینی رفاه زندگی به جای عدالت اجتماعی، لغزشگاههایی است که مجلس پنجم باید

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۶/۱۰/۷۵، ص ۱۲

۲. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۶، ۱۵/۱۰/۷۵، ص ۲

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۶/۱۰/۷۵، ص ۱۲

۴. همان



بطور جدی از آنها دوری گزیده و اجتناب کند»<sup>۱</sup> ری شهری نیز در مصاحبه‌ای از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد کرده، می‌گوید: «متأسفانه برنامه‌ریزان کشور هنوز نتوانسته‌اند استراتژی مشخصی ارائه کنند، ما هنوز از داشتن یک برنامه ثابت، مشخص و بلند مدت در زمینه تثبیت و تعدیل اقتصادی محروم هستیم... در واگذاری شرکت‌های دولتی، عامه مردم سهم نبوده‌اند و برخی کارخانه‌های پردرآمد به مرتب‌ترین یا دست‌اندرکاران آنها واگذار شده است.»<sup>۲</sup> نشریه ارزشها در این زمینه می‌نویسد: «جریان عدالت اجتماعی در نظام ما... با آفتی مهم دست به گریبان است. این آفت مهم تحت عنوان ظهور طبقه جدیدی مطرح می‌شود که نه تنها شاخصه قدرت اقتصادی بلکه طبعاً با شاخصه‌های قدرت سیاسی و اجتماعی نیز قابل شناسایی است. طبقه جدید مجموعه‌ای ناهمگن اما همسو و هم‌سرنوشت از تپها و جریان‌هایی است که یا در خانواده انقلاب بوده و هستند و یا اگر در این مجموعه نبوده‌اند به گونه‌ای با آنها مرتبطند و این ارتباط به آنها امکان داده است که شرایط بسیار مساعدتری برای برخورداری و تکاثر پیدا کنند.»<sup>۳</sup> ری شهری انباشته شدن پولهای بادآورده در دست یک قشر خاص را یکی از عوامل مؤثر در گرانی و تورم شمرده و می‌گوید: «کسانی که در تولید و سازندگی کشور نقشی ندارند با واسطه‌گری و دلال‌بازی بر تورم و گرانی دامن می‌زنند.»<sup>۴</sup> روح‌الله حسینیان نیز گفت: «مطابق آماری که بانکها از میزان پس‌اندازها می‌دهند، نزدیک به ثلث پس‌اندازها مربوط به خانواده‌های

۱. بیانیه شماره ۱ جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی

۲. روزنامه کار و کارگر، ۷۵/۱۱/۸، ص ۴

۳. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۸، ۷۵/۱۱/۱۵، ص ۵

۴. روزنامه اطلاعات، ۷۵/۱۲/۴، ص ۲

معدودی است و این واقعاً یک امر خطرناک برای جمهوری اسلامی است که ثروت، اینگونه در دست عده‌ای خاص بچرخد.<sup>۱</sup>

۶- ریخت و پاش، رشوه خواری و پارتی بازی در بخش دولتی  
ری شهری با اظهار تأسف از رشوه خواری و پارتی بازی در برخی از اداره‌ها می‌گوید: «مسئولان کلیدی ادارات در بخشهای مختلف باید به دور از خط بازی از میان افراد متعهد، عادل، لایق و کارآمد گزینش شوند.»<sup>۲</sup> وی می‌افزاید: «برگزاری سمینارهای زائد و پرهزینه، سفرهای خارجی غیر ضروری و انجام هزینه‌های تشریفاتی و تجملاتی در ارگان‌های دولتی از جمله مواردی هستند که تأثیر خود را در تخریب بنیه اقتصادی کشور... برجای می‌گذارد.»<sup>۳</sup>

روح‌الله حسینیان نیز در این زمینه می‌گوید: «آنهايي که دست‌اندرکار فروش صنایع و به اصطلاح، مردمی کردن اقتصاد دولتی بودند، خیلی از آنها را در اختیار فامیلها و اشخاص نزدیک خودشان گذاشتند.»<sup>۴</sup>

۷- استحاله انقلاب و خطر بازگشت وابستگی  
جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای تأکید کرد: «زمزمه‌های جدایی دین از سیاست، لیبرالیزم، بی‌بند و باری فرهنگی، رفاه‌طلبی به بهای وابستگی اقتصادی، سازش و مدارا با جهان‌خواران و معامله با آنان بر سر مصالح ستمدیدگان بطور مشخص در قضیه فلسطین و در یک

۱. ماهنامه صبح، شماره ۶۶، بهمن ۷۵، ص ۱۷

۲. روزنامه اطلاعات، ۸/۱۲/۷۵، ص ۲

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۵/۱۲/۷۵، ص ۲

۴. ماهنامه صبح، شماره ۶۶، بهمن ۷۵، ص ۱۷

کلام انزوای انگیزه انقلابی و اندیشه بسیجی تحت عنوان فریبنده همزیستی بین‌المللی یا مدارای مدنی، ردپای افراد و جریان‌هایی است که استحاله انقلاب و بازگرداندن وابستگی همه جانبه ملت را دنبال می‌کنند.<sup>۱</sup> همچنین نشریه ارزشها نوشت: «آنچه انقلاب اسلامی در نظر داشته، همان ترویج ارزشهای معنوی در حوزه فرهنگ عمومی است، اما متأسفانه نظام در برخی مقاطع با سیاست‌های دیگری دست به گریبان گردیده که نیازمند بازنگری است.»<sup>۲</sup>

روح‌الله حسینیان در این باره می‌گوید: «برخی تغییرات فرهنگی در انقلاب ما به وقوع پیوست، بعضی ملاکها تغییر پیدا کرد. یعنی ملاک‌هایی که به هر حال ملاک‌های آرمان‌گرایانه بودند تبدیل به ملاک‌های دنیایی شدند و به دنبالش هم خیلی مشکلات و مسائل به وجود آمد. زمانی اصل این بود که هر کس به نحو مؤثری برای انقلاب کار کند و از خود گذشته‌گی نشان بدهد، ولی یک مرتبه دیدیم که این معیار تبدیل شد به اینکه هر کس بتواند به زندگی مادی خودش برسد و مشکلات مادی خودش را حل کند... وقتی اختلاف به وجود آمد مسجد، کانون و محل تردهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ما شد، ولی ما دیدیم که در این مدت (ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی) به جای ترویج و تشویق به مساجد، جاهای دیگر درست شد که ملاکها و معیارهای دیگری را جایگزین آن روحیه دینی و مذهبی نسل جوان می‌کرد. در دانشگاه‌ها این روحیه ترویج شد و یک نوع سیاست‌گریزی ایجاد شد که منجر به پیدایش خمودگی و بی‌تفاوتی عمیق در دانشگاه‌ها شد... در نگاه به

۱. بیانیه شماره ۱ جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی

۲. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۸، ۷۵/۱۱/۱۵، ص ۵

کل جامعه به خوبی قابل درک است که فرهنگ دینی تا حدودی جایش را با یک فرهنگ به اصطلاح دنیا طلبانه و کاسبکارانه عوض کرد.<sup>۱</sup>

#### ۸- انفعال سیاسی

نشریه ارزشها نوشت: «دلزدگی و انفعال سیاسی در شرایط کنونی ما، باید به مثابه یک تهدید جدی در حوزه اقتدار و امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد.»<sup>۲</sup>

اعضای مؤسس جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را محمد محمدی ری‌شهری، سیدعلی غیوری، سیدعلی اکبر ابوترابی، محمدی عراقی، علی رازینی، روح‌الله حسینیان، محمد صادق عرب‌نیا، احمد پورنجاتی، محمد شریعتمداری (شریعت) و عباس سلیمی تشکیل می‌دهند. هفته‌نامه «ارزشها» تا شماره ۹۵، تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۷۷ دیدگاه‌های "رسمی و غیررسمی"<sup>۳</sup> جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را طرح می‌کرد. اما این جمعیت در تاریخ ۷۷/۸/۲۴ با صدور بیانیه‌ای فعالیت‌های خود را به طور موقت تعطیل اعلام کرد. در ارتباط با تعطیلی فعالیت جمعیت دفاع چند عامل شایان توجه است.

#### ۱- ناهمگونی میان دیدگاه‌های اعضای شورای مرکزی

اعضای مؤسس جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی محمد محمدی ری‌شهری، سیدعلی غیوری، سیدعلی اکبر ابوترابی، علی رازینی، روح‌الله حسینیان، محمدصادق عرب‌نیا، احمد پورنجاتی، محمد

۱. ماهنامه صبح، شماره ۶۶، بهمن ۷۵، صص ۱۷ و ۱۸

۲. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۱، مهر ۷۵، ص ۲

۳. همان، شماره ۹۵، ۷۷/۸/۲۵، ص ۱

شریعت‌مداری و عباس سلیمی نمین بودند. از میان این افراد علی غیوری عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران است و علی‌اکبر ابوترابی نیز دیدگاه‌هایش به جامعه روحانیت نزدیک بود.

از میان سایر اعضای شورای مرکزی احمد پورنجاتی نیز دارای دیدگاه‌هایی بود که به نظر می‌رسد از سوی برخی دیگر از اعضای شورای مرکزی این گروه قابل قبول نبود.

به عنوان مثال وی پیش از انتخابات مجلس خبرگان رهبری در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی مطالبی عنوان کرد که در توضیحی درباره آن گفت: «آنچه در گفت‌وگو با خبرگزاری عنوان کردم نباید مواضع جمعیت تلقی شود».<sup>۱</sup> این در حالی بود که ایشان مسوول دفتر سیاسی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی بود.

روح‌الله حسینیان دیگر عضو شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی نیز دارای مواضعی بود که به نظر می‌رسد با دیدگاه‌های برخی دیگر از اعضای شورای مرکزی این گروه تفاوت‌هایی داشت.

وی در مصاحبه‌ای از سیاست‌های دولت خاتمی انتقاد کرد و گفت: «سیاست تساهل و تسامح در وزارت ارشاد فقط برای مخالفان نظام است... در حالی که آقای خاتمی یک روحانی است و اعتقاد به اسلام و انقلاب دارد و هنوز افتخارش این است که امام (ره) او را به عنوان فرزند خود خطاب کرده؛ اما افرادی که قطعاً اعتقادی به اسلام و انقلاب ندارند، چطور تحت پوشش آقای خاتمی قرار می‌گیرند؟... سیاست وزارت ارشاد با همه شعارهایی که به طرفداری از آزادی مطبوعات داده می‌شود به گونه‌ای طراحی شده که

۱. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۸۶، ۲۳/۶/۷۷، ص ۱

نیروهای فرصت‌طلب و رجعت‌طلب کاملاً قدرت را در دست دارند... تمام مسوولین وزارت ارشاد به دفاع از آنها برمی‌خیزند.<sup>۱</sup> این اظهارات انتقادی از سیاست دولت خاتمی در حالی است که در آخرین بیانیه جمعیت در زمینه تعطیلی موقت فعالیت این گروه، موضع دیگری اتخاذ شده است.

در این بیانیه از دولت و شخص خاتمی به دلیل «پافشاری بر گسترش آگاهی و دفاع از حرمت آزادی در چارچوب مبانی دینی» تشکر شده است. دوگانگی در میان مواضع شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزشها چنان بوده که به نوشته نشریه ارزشها حتی برخی از اعضای شورای جمعیت دفاع در جریان انتخابات ریاست جمهوری به کاندیداهای دیگری غیر از آقای ری شهری رأی داده‌اند.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد چنین دیدگاه‌های متفاوتی میان اعضای شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی یکی از دلایل اصلی تعطیلی موقت فعالیت‌های این گروه می‌باشد.

## ۲- موفق نبودن در عرصه فعالیت سیاسی

هدف از فعالیت سیاسی آن‌هم به طور حزبی در اختیارگرفتن قدرت است. در جریان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، جمعیت دفاع از ارزشها به‌طور رسمی شکل نگرفته بود، اما نامزدهای ارائه شده از سوی گروه‌های مختلف بود. به عبارت دیگر نامزد انحصاری این گروه وارد مجلس پنجم نشد.

۱. همان، صص ۸ و ۹

۲. نگاد کنید به: ارزشها، شماره ۸۶، ۷۷/۸/۱۱، ص ۱۵، پیام آرای ری شهری چیست؟

در انتخابات ریاست جمهوری نیز محمدی ری‌شهری دبیرکل این گروه از جمله چهار نامزد انتخابات بود. انتخاب نشدن ری‌شهری به ریاست جمهوری شکست وی نبود. زیرا هیچکس حتی خود ایشان انتظار پیروزی نداشت. به طوری که نشریه ارزشها نوشت: «در جریان انتخابات ریاست جمهوری آقای ری‌شهری از مدت‌ها قبل از دور رقابت، حذف شده بود».<sup>۱</sup>

اما این که ری‌شهری از میان چهار نامزد در رتبه آخر قرار گرفت، برای وی و این گروه غیرمنتظره بود و به نوعی شکست تلقی شد.

پس از آن جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی به طور جدی برای ورود به مراکز قدرت اقدام نکرد. در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در تهران و چند شهر دیگر فهرست نامزدهای خود را اعلام کرد که بر پایه بیانیه این گروه «مستقل از وابستگی‌های گروهی و تمایلات جناحی آنان» تنظیم شده بود.<sup>۲</sup>

در انتخابات مجلس خبرگان نیز جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی از ارائه فهرست مستقل خودداری کرد. این گروه دلیل اقدام خود را اعلام نکرد و صرفاً به این دلیل که «ما ضرورتی برای ارائه لیست مستقل احساس نکردیم»<sup>۳</sup> بسنده کرد.

فعال نبودن جمعیت دفاع از ارزشها در عرصه انتخابات از وجود اختلاف نظر میان اعضای مجوری این گروه و قادر نبودن آن برای جذب افراد شاخص حکایت می‌کرد.

۱. همان

۲. ارزشها، شماره ۸، ۷۵/۱۱/۱۵، ص ۲

۳. همان، شماره ۹۱، ۷۷/۷/۲۷، اظهارات محمدی ری‌شهری دبیرکل جمعیت دفاع از ارزشها

به نظر می‌رسد یکی از دلایل موفق نبودن این جمعیت، سابقه فعالیت اجرایی اکثر اعضای محوری این گروه بود. این سابقه تا حدی در استقبال نکردن مردم از این گروه تأثیر داشت.

### ۳- شفاف نبودن مواضع

جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی در بیش از دو سال فعالیت رسمی پیش از آن که به ارائه برنامه و راهکار برای بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پردازد، به صورت واکنشی در قبال تحولات موضع‌گیری می‌کرد.

به عبارت دیگر جمعیت دفاع منتقد تمام جناح‌ها بود اما برنامه‌های خود را به طور صریح اعلام نکرد و صرفاً به یکسری کلی‌گویی‌ها بسنده نمود. چنین وضعیتی در آخرین بیانیه جمعیت دفاع از ارزشها نیز مشاهده می‌شود.

جمعیت دفاع همواره اصرار داشته که هرگونه تجدیدنظرطلبی در اصول آرمانی انقلاب یا برخورد خدشه‌آمیز با دستاوردهای ارزشمند نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام و نیز دوران افتخارآمیز دفاع مقدس و همچنین هرگونه تلاش ناصادقانه یا ناآگاهانه برای رجعت به سنت‌ها و هنجارهای نامطلوب دوران طاغوت یا فرهنگ آلوده بیگانه، ناجوانمردانه و حرمت‌شکنی نسبت به ایشار و پاکبازی پیشتازان انقلاب و جفای آشکار به خون مطهر پاکان این مرز و بوم و نوعی عهدشکنی ملی به شمار می‌رود.

جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی عمیقاً باور دارد که اندیشه انقلاب اسلامی به اتکاء گوهر لایزال مبانی اسلامی ناب و به مدد پویایی و شکوفندگی اجتهاد زمان شناسانه، هیچ‌سختی با تنگ‌نظری‌های متحجرانه و



عادت‌های خودساخته فکری یا اعتقادی و نیز مددجویی‌های زبونه و روشنفکر نمایانه از مکاتب بیگانه و مرزشکنی‌های شبه فیلسوفانه ندارد»<sup>۱</sup> شاید کلی‌گویی‌های جمعیت یکی از دلایل اصلی موفق نبودن این گروه در جذب افراد شاخص در سراسر ایران بود به‌طور کلی جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسو از فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها ناراضی بودند و از برخی موضع‌گیری‌های آن انتقاد می‌کردند. به اعتقاد این جناح جمعیت دفاع در جریان انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری گروهی را که از نامزد آنان (ناطق نوری) حمایت می‌کردند، به سوی خود جلب کرد.

به عبارت دیگر این جناح معتقد بود فعالیت جمعیت دفاع همواره به نفع جناح رقیب (مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن) تمام می‌شود. البته این نکته شایان توجه است که جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی در بیانیه خود "ناتوانی و کم‌بضاعتی مالی، مسوولیت‌های گوناگون دست‌اندرکاران اصلی جمعیت به ویژه اعضاء شورای مرکزی و برخی دلایل دیگر" را که از بیان آنها پرهیز کرده، از عوامل تعطیلی موقت فعالیت جمعیت دفاع ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

## ۶-۱. پیام دانشجو

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، در سال ۱۳۶۲ تحت عنوان انجمن اسلامی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اعلام موجودیت کرد. این تشکل

۱. هفته‌نامه ارزشها، شماره ۹۵، ۷۷/۸/۲۵، ص ۳

۲. همان، ص ۵

به مرور فعالیت‌های خود را گسترده‌تر کرد. در برخی از دانشگاه‌ها مانند دانشگاه علم و صنعت ایران، خواجه نصیرطوسی (عمران)، شهید بهشتی (اقتصاد) و برخی دانشکده‌های پرستاری، انجمن‌های اسلامی دانشجویی از اعضای همین تشکل بودند. در سال ۱۳۶۴ اولین مجمع سراسری این تشکیلات، سمیناری در دانشگاه علم و صنعت ایران تحت عنوان «رسالت انجمن‌های اسلامی دانشجویی» برگزار کرد و بدین ترتیب فعالیت‌های خود را گسترش داد. همچنین در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶ در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری با ارائه فهرست مستقل، مواضع سیاسی خود را شفاف کرد. و در سال ۱۳۶۶ با به راه‌اندازی سلسله اردوهای فرهنگی - سیاسی، بخش‌های دیگری از مواضع خود را بیان کرده و نیز به عضوگیری‌های خود گسترش داد. اتحادیه در سال ۱۳۶۷ اولین شماره نشریه خود را با عنوان فصل نامه پیام دانشجوی بسیجی منتشر ساخت. در همین سال تشکل‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویی به عنوان تشکل‌های دانشجویی عضو این اتحادیه در سراسر کشور، اعلام شدند.<sup>۱</sup>

اگر چه عنوان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» این تصور را به وجود می‌آورد که این گروه، یک گروه دانشجویی است؛ اما در اساسنامه اتحادیه، فعالیت سیاسی سایر اقشار جامعه در چهارچوب انجمن پیش‌بینی شده است. در اساسنامه اتحادیه آمده است، «صنوف شش‌گانه عضو اتحادیه عبارتند از: دانشجویان، مدرسان، فرهنگیان، دانش‌آموختگان، کارگران و کارمندان»<sup>۲</sup>

۱. نوشته اختصاصی حشمت‌الله طبرزدی دبیرکل اتحادیه برای پژوهش

۲. ماده ۱۱ اساسنامه

«انجمن اسلامی... می‌تواند در صنوف شش‌گانه تحقق یابد و به نام اعضای همان صنف فعالیت کند.»<sup>۱</sup> همچنین درباره وظایف واحد سیاسی انجمن در اساسنامه آمده است: «ارائه برنامه‌هایی در جهت تقویت بینش سیاسی اعضاء و تغذیه سیاسی دانشجویان مسلمان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به طور خاص و سایر اقشار به طور عام از طریق تشکیل جلسات تحلیل سیاسی، سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ»<sup>۲</sup> این تشکیلات بر پایه قانون احزاب از وزارت کشور پروانه فعالیت دارد و دارای یک هسته مرکزی در تهران، چند دفتر در استان‌ها و نیز انجمن‌های اسلامی دانشجویی عضو در دانشگاه‌های سراسر کشور است.<sup>۳</sup> یکی از اعضای سابق شورای مرکزی اتحادیه، راجع به زمینه‌های شکل‌گیری این گروه می‌گوید: «حشمت‌الله طبرزدی دبیرکل اتحادیه، فعالیت سیاسی و تشکیلاتی را به اتفاق دوستان خود از طریق مرکزی به نام مرکز فرهنگی شهدای ۷۲ تن آغاز کرد. مرکز فرهنگی شهدای ۷۲ تن بعدها با عنوان انجمن اسلامی دانشجویی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به فعالیت خود ادامه داد. این انجمن از لحاظ سیاسی، گروهی در مقابل دفتر تحکیم وحدت بود و به جناح راست گرایش داشت. این انجمن دکتر بهشتی را به عنوان الگوی تشکیلاتی و آیت‌الله مطهری را به عنوان الگوی فکری قبول داشت. اتحادیه با آیت‌الله خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری و هاشمی رفسنجانی در زمان ریاست مجلس شورای اسلامی ارتباط فکری داشت.

اتحادیه جلساتی با علی‌اکبر ناطق‌نوری داشت که از سال ۱۳۶۶ به دلیل

۱. ماده ۱۲ اساسنامه

۲. ماده، ۵۰، بند الف

۳. نشریه داخلی انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه‌های تهران، شماره ۶، ۷/۵/۷۶،

اختلاف نظر این گروه با افراد متمایل به جناح راست سستی و جمعیت مؤتلفه اسلامی تعطیل شد. اما در اردوها و آیین‌های مختلف از علی اکبر ناطق‌نوری، حبیب‌الله عسگرآولادی، محمدرضا باهنر، اعضای شورای نگهبان چون خزعلی، محمدی‌گیلانی و... برای سخنرانی دعوت به عمل می‌آمد. یعنی یک نوع تمایل فکری وجود داشت.<sup>۱</sup>

نشریه پیام دانشجو، ارگان اتحادیه، چندین مرتبه توقیف شد که باعث شهرت آن در جامعه گردید و موجب شد این گروه در میان سایر اقشار جامعه نیز هوادارانی پیدا کند. پیام دانشجو در دوره پیش از توقیف در عین حال که مخالف برنامه‌های دولت بود، پیش از هر موضوع از عملکرد شهرداری تهران انتقاد می‌کرد و به گروه کارگزاران می‌تاخت. به نظر می‌رسد دوران تعطیلی نشریه پیام دانشجو این امکان را برای این گروه پیش آورده تا به بازنگری در مواضع خود پردازد. حشمت‌الله طبرزندی، محمدمسعود سلامتی، سیدجواد امامی و علی سرافراز از اعضای مؤسس و هیأت امنای اتحادیه بودند و هیأت امنای کنونی اتحادیه شامل حشمت‌الله طبرزندی، محمدمسعود سلامتی، جواد امامی، پرویز سفری و محمد میرابراهیمی است. که از میان آنها حشمت‌الله طبرزندی دبیرکل اتحادیه می‌باشد.

## ۷-۱. انصار حزب‌الله

ریشه‌های تاریخی این جریان را باید در ماه‌های آغازین انقلاب جستجو کرد. که هواداران آنها در قالب «تیپ‌های حزب‌الله» به مقابله با هواداران

۱. گفتگوی نگارنده با یکی از اعضای مستعفی شورای مرکزی اتحادیه که خواست نامش منتشر نشود، ۷۷/۶/۹

سازمان مجاهدین خلق ایران، طرفداران بنی‌صدر، و بعدها «بد حجاب»ها می‌پرداختند. این جریان فکری تا پایان جنگ عراق علیه ایران فاقد هویت سیاسی مستقل بود. بازگشت جوانان از جبهه‌ها، تناقضی که آنان نسبت به آنچه تصور می‌کردند، با آنچه که در داخل شهرها مشاهده کردند در شکل‌گیری این جناح نقش مهمی داشت. این جناح از هیأت‌های مختلفی که رزمندگان جبهه‌ها پس از بازگشت به شهرها تشکیل دادند، تشکیل شده است. مبارزه با مفاسد اجتماعی، اختلاس، رشوه، تهاجم فرهنگی و سرمایه‌داری از جمله شعارهای اصلی این جناح است. و در راستای اهداف خود به بسیج گروه‌های محدود ولی منسجم می‌پردازد ماهنامه «یالثارات الحسین» ارگان انصار حزب‌الله است. دو هفته‌نامه «شلمچه» نیز به این جناح وابسته می‌باشد. ماهنامه «صبح» و روزنامه «کیهان» نیز قرابت‌هایی با اندیشه‌های این جناح دارند.

«مسعود ده‌نمکی» مدیر مسئول نشریه شلمچه در زمینه شکل‌گیری انصار حزب‌الله می‌گوید: «قبل از سال ۱۳۶۸ عملاً چیزی به نام انصار حزب‌الله وجود نداشت و نامی به این عنوان نبود. آن موقع آنان به نام حزب‌الله تهران فعالیت می‌کردند که تا سال ۱۳۷۲ این وضع ادامه داشت... نام انصار حزب‌الله از سال ۷۲ به بعد بیشتر بر سر زبان‌ها افتاد... [آنها] فقط روی مسایل ارزشی و ضد ارزشی حساسیت نشان می‌دادند، بیشتر در رابطه با مفاسد اجتماعی و منکرات در جامعه به فعالیت می‌پرداختند.»<sup>۱</sup>

## ۸-۱. کارگزاران سازندگی ایران

گرچه این گروه با نام جمعی از کارگزاران سازندگی ایران در سال ۱۳۷۴ در

آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی به طور رسمی اعلام موجودیت کرد، اما سابقه شکل‌گیری آن به سال ۱۳۶۸ بازمی‌گردد. با خاتمه جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۷ و ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، زمینه شکل‌گیری آن فراهم شد. آنان معتقد بودند که با خاتمه جنگ عراق علیه ایران، «دوران سیاست‌های جنگی» خاتمه یافته و ایران وارد دوران جدیدی شده است. استراتژی این جناح بر «بازسازی اقتصادی» و «مصلحت‌اندیشی در سیاست خارجی» مبتنی بود. به اعتقاد آنها ایران برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و عقب‌ماندگی‌های ناشی از آن می‌بایست سیاست جدیدی را آغاز می‌کرد که «جلب کمک‌های بین‌المللی» و «اخذ وام» از نهادهای اقتصادی بین‌المللی از جمله آنها بود. چنین سیاستی تجدیدنظر در سیاست خارجی دوران جنگ را طلب می‌کرد. که بنا بر آن ایران می‌بایست به سیاستی روی آورد که بتواند به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی محسوب شود تا امکان اخذ وام و جذب کمک از مجامع بین‌المللی فراهم گردد. تکنوکرات‌های تحصیل کرده غرب در اطراف هاشمی رفسنجانی تشکیل دهنده این گروه هستند.

مجلس سوم که پایگاه جناح مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن محسوب می‌شد می‌توانست مانعی در راه اجرای سیاست‌های کارگزاران محسوب شود. اما انتخابات دوره چهارم مجلس که در فروردین ۱۳۷۱ برگزار شد، باعث گردید تا جناح مجمع روحانیون مبارز به طور عمده کرسی‌های خود را از دست بدهد. در واقع این پیروزی جناح تکنوکرات از ائتلاف اعلام نشده آنها با جناح جامعه روحانیت مبارز تهران بوجود آمد. آنچه باعث نزدیکی دو جناح کارگزاران و جامعه روحانیت در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی شد، حذف جناح مجمع روحانیون مبارز بود.

چرا که کارگزاران اساساً با سیاست‌های آنها مخالف بود. اما در طول چهار سال فعالیت مجلس چهارم به تدریج افتراق میان جامعه روحانیت و کارگزاران نمایان شد. همین عاملی بود که تکنوکرات‌ها را در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، وادار کرد تا از جناح جامعه روحانیت مبارز روی گردانند و با عنوان جمعی از کارگزاران سازندگی ایران در انتخابات شرکت کنند. در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در فهرست داوطلبان نمایندگی ارائه شده از سوی این گروه، ۱۰ نفر با اسامی ارائه شده از سوی جامعه روحانیت مبارز تهران مشترک بود. انتقادهای شدید جناح جامعه روحانیت به کارگزاران در فاصله انتخابات مجلس پنجم تا انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری، موجب شد تا این گروه از نامزد مقابل فرد مورد قبول جناح جامعه روحانیت در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کند.

عطاءالله مهاجرانی، محمد هاشمی، غلامحسین کرباسچی، مصطفی هاشمی‌طبا، محسن نوربخش، رضا امراللهی، علی هاشمی و فائزه هاشمی اعضای تشکیل دهنده این گروه هستند، که از میان آنان غلامحسین کرباسچی به عنوان دبیرکل معرفی شده است. روزنامه‌های «همشهری» و «ایران» از نشریه‌های وابسته به این گروه است. هفته‌نامه «بهمن» که در حال حاضر منتشر نمی‌شود، نیز به این گروه وابسته بود.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



## فصل دوم

مواضع سیاسی،

اقتصادی و فرهنگی جناح‌ها

www.KeAbFarsi.com

## مواضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جناح جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسو

### ۱-۲. دیدگاه‌های سیاسی جامعه روحانیت مبارز تهران و تشکل‌های همسو

دیدگاه‌های سیاسی این جناح را می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی کرد.

#### الف - نگرش به حکومت

##### ۱- ولایت فقیه و رهبری

این جناح، ولایت فقیه را یک مسأله «تشخیصی» می‌داند و نه «انتخابی»، بدین معنا که مردم در انتخاب آن نقشی ندارند. آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی از اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران می‌گوید: «ولایت فقیه یک مسأله انتخابی نیست، بلکه یک مسأله تشخیصی است. اگر کسی کار اجرایی می‌کند حق ندارد در مسائل فقهی و اجتهادی، در موضوعات عمومی و مملکتی اظهار نظر کند.»<sup>۱</sup> حبیب‌الله عسگراولادی دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی نیز بر نقش نداشتن مردم در انتخاب ولی فقیه تأکید کرده، می‌گوید: «در زمان غیبت امام زمان (عج) ولی فقیه عادل به نیابت آن حضرت زمام امور امت اسلامی را به عهده دارد. اظهارات برخی افراد مبنی بر اینکه مشروعیت ولایت را در رأی مردم می‌دانند توطئه و خواست

۱. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۳۵، ۲۲/۹/۷۴، ص ۸

دشمنان اسلام است. ولایت در نظام اسلامی از متن اسلام نشأت گرفته و نه از رأی مردم.<sup>۱</sup>

جناح جامعه روحانیت مبارز و گروه‌های همسو در مقابل دیدگاهی که معتقد به انتخاب ولی فقیه است، معتقد به کشف ولی فقیه هستند، به این معنا که ولی فقیه در جامعه وجود دارد و خبرگان باید وی را کشف کنند. در این زمینه در سر مقاله روزنامه رسالت آمده است: «مردم عده‌ای از خبرگان و متخصصین در دین را انتخاب می‌کنند و به آنها مأموریت می‌دهند، برترین عالم دینی را که تدبیر، شجاعت، تقوی و بصیرت دارد کشف و معرفی کنند.»<sup>۲</sup> در همین ارتباط جامعه روحانیت مبارز تهران در ویژه‌نامه‌ای نوشت: «ولایت فقیه ریسمان مستحکم و جبل‌الهی در جامعه اسلامی است که مشروعیت خود را نه از مردم که از اتصال به ولایت کلی الهی گرفته است؛ ولایت فقیه تداوم ولایت رسول (ص) و ولایت امام (ع) در عصر غیبت می‌باشد... ایراد خدشه به تئوری پیشرفته و انقلابی ولایت مطلقه فقیه از طریق تنزل مقام ولایت به وکالت و محدود کردن آن در چارچوب مشخص و از پیش تعیین شده، تهی کردن نظام و اسلام از قدرت واقعی آن است.»<sup>۳</sup> آیت‌الله رضا استادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می‌گوید: «ولایت تحت هیچ شرایطی مشروعیت خود را از مردم نمی‌گیرد و موافقت یا مخالفت مردم هیچ اثری در اصل ولایت فقیه ندارد.»<sup>۴</sup> در بیانیه جامعه روحانیت مبارز

۱. روزنامه‌های ۷۶/۲/۴

۲. روزنامه رسالت، ۷۴/۹/۲۶، ص ۱

۳. ویژه‌نامه جامعه روحانیت مبارز به مناسبت مرحله دوم انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، ص ۳۲

۴. روزنامه کار و کارگر، ۷۵/۱۲/۲۱، ص ۴

تهران آمده است: «مجلس باید تابع ولایت فقیه باشد و در جهت بسط ید او و نیز تحقق ارزشها و آرمان‌های انقلاب اسلامی با تمام توان بکوشد.»<sup>۱</sup> جامعه روحانیت مبارز تهران در بولتنی که منتشر کرد، نوشت:

«در یک نظام اسلامی در دوره غیبت، ولی فقیه، حرف آخر را می‌زند. اگر کسی یا کسان دیگر هم بخواهند از جانب خود حرفی برای گفتن داشته باشند و در مقابل رهبر و ولی فقیه حقی و اعتباری برای خود قائل شوند، اولاً التزام عملی آنها به ولایت مطلقه فقیه زیر سؤال خواهد رفت، ثانیاً دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و هرج و مرج در جامعه حکمفرما می‌شود.»<sup>۲</sup> در این زمینه روزنامه رسالت که مواضع نزدیکی به جامعه روحانیت دارد، با حالت انتقادی نوشت:

«می‌گویند انسانها همگی در برابر خداوند برابرند و هیچکس بر دیگری ولایت ندارد... می‌گویند... وظایف و اختیارات رهبر و ولی فقیه در قانون اساسی مشخص شده است.»<sup>۳</sup>

با توجه به این که این جناح معتقد به «انتخابی بودن» ولایت فقیه نیست و به «تشخیصی بودن» وی قائل است، به نوعی قداست برای رهبری معتقد است. این جناح رهبری انقلاب را «مستظهر به پشتیبانی الهی» می‌داند. در بیانیه دیگری از جامعه روحانیت مبارز آمده است:

«انقلاب ما به دلیل استحکام مبانی نظری خود در باب رهبری هیچگاه دچار ضعف، سستی و فترت نمی‌شود. رهبری این انقلاب مستظهر به پشتیبانی

۱. ویژه‌نامه روزنامه رسالت، ۷۴/۱۱/۱۹

۲. ویژه‌نامه جامعه روحانیت مبارز تهران به مناسبت انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی

۳. روزنامه رسالت، ۷۷۴/۵/۱۵، ص ۱

الهی است و مادام که آن اتصال الهی و تعهد قرآنی و میثاق‌های مبتنی بر وحی برقرار است، هیچ جایی برای نفوذ دشمنان خارجی باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup> همچنین روزنامه رسالت نوشت: «ولی فقیه به واسطه ملکه راسخه عدالت و علم و تقوی (آنهم نه در سطح معمولی بلکه در سطح بالا) دارای نوعی مصونیت از گناه و انحراف است و لذا اسلام او را حاکم و ناظر بر دیگران قرار داده است. حالا چه کسی و کدام نهادی می‌تواند بر فراز ولی فقیه قرار گیرد و بر او نظارت کند.»<sup>۲</sup> از سوی دیگر این روزنامه هرگونه انتقاد از ولی فقیه را نفی کرده، می‌نویسد: «ولایت فقیه امروز مبنای نظام حکومتی ماست و نمی‌تواند به راحتی در تریبون‌ها و رسانه‌های عمومی مورد نقض و ایراد قرار گیرد»<sup>۳</sup>

این جناح مشروعیت تمام نهادهای جامعه را از ولی فقیه می‌داند. در مقابل دیدگاهی که مشروعیت مجلس را از مردم می‌داند، این جناح مشروعیت آن را نیز از ولایت فقیه می‌داند. نمایندگان وابسته به این جناح در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی نوشتند: «ما مقبولیت مجلس را در گرو مشروعیت آن می‌دانیم که از ولایت نشأت می‌گیرد.»<sup>۴</sup> بر این اساس این جناح نقش محدودی برای مجلس شورای اسلامی قائل است و آن را بازوی قانون‌گذاری و نظارت ولی فقیه می‌داند.<sup>۵</sup> در همین راستا جامعه روحانیت مبارز تهران در بیانیه‌ای بیان داشت.

۱. ویژه‌نامه روزنامه رسالت، ۷۴/۱۱/۱۹

۲. دو هفته‌نامه عصرها، شماره ۶۵، ۷۵/۱۲/۱۶، ص ۱۵ به نقل از روزنامه رسالت

۷۵/۱۱/۲۸

۳. روزنامه رسالت، ۷۵/۱۱/۲۴، ص ۱

۴. روزنامه اطلاعات، ۷۱/۳/۱۳، ص ۲

۵. ویژه‌نامه روزنامه رسالت ۷۴/۱۱/۱۹، سخنان صدر نماینده جامعه روحانیت مبارز در

مجلس شورای اسلامی

«مجلس شورای اسلامی باید بازوی ولایت در اداره امور کشور باشد و در جهت تحقق نظرات و خواسته‌های معظم‌له در کشور گام بردارد.»<sup>۱</sup> آنان همچنین در بولتنی نوشتند:

«مجلس... باید به تمام معنا ولایت‌پذیر و تحت امر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای باشد. این مجلس باید تمام تلاش خود را بنماید تا بیش از پیش زمینه بسط ولی فقیه فراهم شود. اولین و آخرین دغدغه نمایندگان مجلس، باید اجرای صحیح و کامل منویات رهبری باشد.»<sup>۲</sup>

این جناح اعتقاد چندانی به جمهوریت نظام ندارد و معتقد است، الگوی حکومت اسلامی باید بر پایه اصول اعتقادی اسلام پایه‌ریزی شود. در همین رابطه جمعیت مؤتلفه اسلامی به «مجمع تشخیص مصلحت نظام» پیشنهاد کرد که تبدیل نظام را از جمهوری به «حکومت عدل اسلامی» بررسی کند. نشریه «شما» ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی نوشت:

«پیشنهاد می‌شود مجمع... در مورد... نحوه وصول نظام از جمهوری اسلامی به نظام حکومت عدل اسلامی... به بحث و بررسی نشسته و نظرات مشورتی را تقدیم ولی امر مسلمین نمایند.»<sup>۳</sup> در همین زمینه آیت‌الله مهدوی‌کنی اظهار می‌دارد: «هر حکومتی که حاکم آن از طرف خداوند منصوب و منصوب باشد قانونی می‌دانیم هر چند تمام مردم آن را نپذیرند و بر عکس هر حکومتی از سوی خداوند مجاز و منصوب نباشد، غیر قانونی می‌دانیم و غاصبانه است، هر چند مردم او را پذیرفته باشند... در حکومت

۱. روزنامه اطلاعات، ۷۴/۱۲/۱۰، ص ۲

۲. ویژه‌نامه جامعه روحانیت مبارز به مناسبت دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی ۷۵/۱/۲۳، ص ۳۲

۳. هفته‌نامه شما، شماره ۷، ۷۶/۱/۲۱، ص ۷